

ردپای موعودگرایی در الهیات اجتماعی

فاطمه مریدی^۱

چکیده

موعودگرایی، اعتقاد به موعودی نجات بخش و شخصی، از دیرباز تا کنون از اساسی ترین و بنیادی ترین آموزه های ادیان بزرگ بوده و هست؛ به طوری که به راحتی می تواند یکی از زیرمجموعه های برجسته در الهیات اجتماعی قرار گیرد. الهیات اجتماعی شاخه ای از الهیات است که به واریسی و تحلیل معضلات اجتماعی از نظرگاه وحی و مکاشفه الهی می پردازد. ما نیز در این مجال کوتاه با روش توصیفی تحلیلی، با معرفی الهیات اجتماعی و برخی رویکردهای موجود آن، و نیم نگاهی به باور موعودگرایی در کتاب مقدس، تلاش کرده ایم جایگاه موعودگرایی در الهیات اجتماعی مسیحیت امروز را گزارش نماییم. آن چه اکنون در حوزه موعودگرایی، خصوصاً از منظر الهیات مسیحی، موجود است، سهم قابل توجهی از ادبیات متراکم الهیات اجتماعی را شامل نمی شود، و جز چندین تلاش علمی با رویکرد الهیاتی، محصول شایان دیگری به چشم نمی آید. این در حالی است که باور موعودگرایی در دوران معاصر، به ویژه از قرن بیستم، تحت تأثیر جریانات سیاسی و فرهنگی به نحو مغرضانه ای، در قالب اشکال گوناگون ظهور و بروز داشته است؛ ظهور و بروزی که تحت لوای مفهوم منجی موعود، توانسته است افکار، باورها، کنش ها و قلمروهای زیادی را تحت سیطره خود در آورد.

واژگان کلیدی

موعودباوری، الهیات اجتماعی، مسیحیت، هزاره گرایی، عدل و صلح.

۱. دکتری دین پژوهی دانشگاه ادیان قم (rezvanelahi@yahoo.com).

مقدمه

اندیشه نجات موعود، که در اغلب موارد با باور به موعودی نجات بخش و شخصی همراه است، از پر دامنه‌ترین اندیشه‌های بشری است که شاید به جرأت بتوان گفت که پس از اعتقاد به خداوند بیشترین فراوانی را در میان سایر باورها و اعتقادات به خود اختصاص می‌دهد (عطار، ۱۳۸۸: ۱۹). با این حال این مورد همانند سایر موارد رایج در میان ابناء بشر از تفاوت، تنوع، تکثرهای تفریطی و افراطی مصون نبوده است. این تنوع و گونه‌گونی تا حدی است که مبدأ یا مبادی موعود اندیشی را نیز در بستگی به ادیان و مذاهب گوناگون قرار داده است. اسلام، مسیحیت و یهودیت، به عنوان سه دین بزرگ آسمانی، بیشترین و فراوان‌ترین خبرهای مربوط به وقایع آخرالزمانی را به خود اختصاص می‌دهند؛ با این که در همه پیشگویی‌های مربوط به آخرالزمان خبرهای وحشتناک و نگران‌کننده‌ای وجود دارد، باز هم باور و آموزه موعودگرایی از شامل‌ترین آرمان‌های بشری در طول تاریخ زندگانی بوده است. به عنوان نمونه وصف این فتنه‌ها در یهودیت به گونه‌ای است که در گذشته برخی از بزرگان یهود از ترس مقدمات ظهور موعود آخرالزمان، دعا می‌کردند تا خدا ظهور را در عصر آنان قرار ندهد. در مسیحیت گفته می‌شود در آخرالزمان هنگامی که شیطان آزادی مجدد به دست می‌آورد، آشوب و ناامنی جهان را فرا می‌گیرد و ستمکارانی ظاهر می‌شوند و جنگ‌های خونینی در سراسر جهان در می‌گیرد (توفیقی، ۱۳۷۸).

اندیشه نجات یا موعودباوری، که در غرب آن را مسیح‌اگرایی^۱، آینده‌گرایی و یا هزاره‌گرایی^۲ می‌خوانند، اکنون بیش از هر زمان دیگری مورد توجه قرار گرفته است. این موضوع نه تنها در قالب یک آموزه دینی، بلکه در برخی معادلات سیاسی و فرهنگی نیز جای خود را باز کرده است. به نحوی که در این میان مذهب شیعه جعفری، به طور عام، و جمهوری اسلامی ایران، به طور خاص، از پرچم‌داران اصلی آن به شمار می‌آیند. همه آن‌چه تاکنون در اهمیت و ضرورت پرداختن به موعودگرایی ارائه شد خلأ و فقدان این موضوع را در حوزه الهیات اجتماعی جبران نکرده و نمی‌کند.

الهیات اجتماعی

الهیات اجتماعی^۳ شاخه‌ای از الهیات است که عمده توجه و تمرکز خود را بر مسایل و

1. Messianism.

2. Millenarian.

۳. از الهیات اجتماعی گاهی تحت عناوین دیگری چون کلام اجتماعی، جامعه‌شناسی دینی و الهیات جامعه‌شناختی

معضلات اجتماعی قرار می‌دهد. گرچه در دنیای اسلام اجتماعیات و مسایل اجتماعی همواره مطرح و مورد نظر بوده است، و الهیات غیر اسلامی، به ویژه الهیات مسیحی از آن بهره‌چندانی نداشته است، با این حال خاستگاه اصلی طرح و ارائه الهیات اجتماعی مغرب زمین و مسیحیت بوده است.

متکلمان و الهی‌دانان مسیحی در دو قرن اخیر تمام هم و غم خود را در تأسیس و توسعه شاخه‌ای از الهیات که مسایل و معضلات اجتماعی را تحت پوشش قرار می‌دهد، به کار گرفته‌اند؛ به طوری که در این راستا و به ویژه در سال‌های اخیر دریای وسیعی از آثار و ادبیات حول الهیات اجتماعی را پدید آورده‌اند. در مقابل نیز متکلمان مسلمان در خلال سایر مباحث کلامی و الهیاتی خود نیم‌نگاهی به امور اجتماعی و مسایل مربوط به جامعه داشته و ضمن تولید آثاری در این حوزه، هرگز به طور منظم و منسجم و تحت لوای الهیات اجتماعی فعالیت ننموده‌اند. و اگر مواردی از این قسم مشاهده شود به هیچ وجه قابل قیاس با عالم مسیحیت نیست.

بر اساس تعریفی که لغت نامه امریکن هریتیج از الهیات اجتماعی داده است، الهیات اجتماعی عبارت است از یک مطالعه نظام‌مند و یک دغدغه منظم نسبت به مباحث مربوط به آسایش و خوشبختی بشر، که از منظر و نظرگاه وحی و مکاشفه الهی صورت پذیرد (دانشنامه امریکن هریتیج).^۱ به تعبیر محمد لگن هاوسن همانطور که تعابیر و تعاریف از الهیات متعدد و متنوع است، تعاریف الهیات اجتماعی نیز متعدد خواهد بود. به عنوان نمونه، برخی اندیشمندان الهیات را در برابر فلسفه قرار می‌دهند زیرا نقش الهیات را در دفاع از دین و نقش فلسفه را بی‌طرفی نسبت به دین قلمداد می‌کنند. گرچه این دیدگاه قابل مناقشه است، اما بهتر آن است که به تبعیت از فلو و مک اینتایر، واژه الهیات را به معنای وسیع و عام آن به کار ببریم: الهیات در واقع به علمی اشاره دارد که هدف آن به دست دادن معرفت و شناخت درباره خدا و روابط خداوند با انسان و جهان است (لگن هاوسن، ۱۳۸۸: ۱۰).

به نظر می‌رسد که الهیات اجتماعی به آن بخش از دانش الهیات اطلاق می‌شود که به حیات اجتماعی انسان و عوارض و لوازم و تبعات آن حیات اجتماعی چون حکومت و دولت، اقتصاد و

تعبیر می‌شود. از آنجاییکه در هر یک از موارد مذکور بر وجهی یا جوهری از موضوع تأکید و تمرکز بیشتری می‌شود، تفاوت و افتراق‌هایی به وجود خواهد آمد. با این حال، در ضمن مطالعات انجام شده به نظر می‌رسد کلام اجتماعی و الهیات جامعه‌شناختی قرابت‌های بیشتری با الهیات اجتماعی دارند.

1. The American Heritage, Dictionary of English Language.

داد و ستد، تعلیم و تربیت، قضاوت، جنگ و صلح، ازدواج و طلاق، خانواده، هنر و ورزش، آیین‌ها و مناسک دینی و... می‌پردازد. به عبارت دیگر، الهیات اجتماعی یعنی بررسی الهیاتی جامعه و نهادهای جامعه و بررسی و ارزیابی الهیاتی پدیده‌ها و مسائل اجتماعی (همو: ۱۲). می‌توان گفت الهیات اجتماعی پاسخی است الهیاتی به مسائل و مشکلات اجتماعی زندگی امروز بشر؛ و الهیات اجتماعی شاخه‌ای از الهیات است که معطوف به مسایل اجتماعی است.

موعودباوری در مسیحیت

موعودگرایی در مسیحیت پیشینه‌ای تاریخی دارد. بدیهی است که اندیشه موعودگرایی در آیین مسیحیت کاملاً ریشه در سنت یهودی دارد؛ همانگونه که مسیحیت در اصل و اساس برخاسته از دین یهود است. به همین خاطر برخی از یهودیان که در انتظار ماشیح لحظه شماری می‌کردند، پس از ظهور عیسی او را مسیح، یا همان موعود بنی اسرائیل قلمداد کردند. به طوری که مرگ و سپس رستاخیز عیسی در پیوندی عمیق با آموزه بازگشت عیسی، به مثابه منجی موعود در آخرالزمان قرار گرفت و بخش‌های زیادی از کتاب مقدس مسیحیان را به خود اختصاص داد (صادق نیا، ۱۳۸۸: ۲۲۵). با این حال در بازگشت عیسی مسیح همواره تفاسیر گوناگونی وجود داشته و دارد، و علی‌رغم ریشه تاریخی و فرهنگی مشترک، مسیحیان و یهودیان نیز درباره موعودگرایی به اتفاق نظر قابل توجهی دست نیافته‌اند.

موعودگرایی مسیحی در اغلب فرقه‌های مسیحیت بر موعودی شخصی و متعین اصرار دارد؛ فلذا منجی موعود مسیحی از موعودهای رجعت‌کننده است (تیلیخ، ۱۳۸۱: ۲۳۱). مهمترین کارکرد موعودگرایی مسیحی جنبه نجات‌گری آن است که می‌تواند به صورت فردی، جمعی، معنوی و اجتماعی محقق گردد (همو: ۲۳۲) و (انجیل یوحنا، ۵: ۲۶). نجات‌بخشی اولیه این منجی تنها در گرو ایمان مسیحی و اعتقاد راسخ به موعودباوری مسیحی است و این نجات فرجامین است که می‌تواند تمامی اقوام، ملت‌ها و ابناء بشر را تحت پوشش در آورد (انجیل متی، ۲۴: ۳۶ و ۲۱: ۳۱-۳۲). اندیشه موعود باوری مسیحی راه را برای پیشگویی‌ها و پیش‌فرض‌های آینده اوضاع عالم چنان گشاده و هموار نموده است که آن را از محدوده حیات بشری فراتر برده و سرتاسر عالم کیهانی را در بر می‌گیرد (مزامیر، ۸۹: ۳).

اگرچه با آغاز عصر روشنگری در قرن هجدهم بسیاری از ساختارهای ایمان مسیحی متزلزل گشت و حتی باور به موعودگرایی با چالش‌های جدی مواجه گردید (لین، ۱۳۸۰: ۳۷۶)، با آغاز

قرن بیستم و به ویژه دهه ۱۹۶۰، ایمان مسیحی احیا گردید و اندیشه‌هایی جدید در راستای حقانیت آموزه‌های مسیحی سر بر آورد (رابرتسون، ۱۳۷۸: ۶۳). الهیات امید، به عنوان یکی از رویکردهای الهیات اجتماعی، حاصل تلاش یورگن مولتمان است؛ که در این راستا بر مفهوم اجتماعی امید مسیحی، که می‌تواند عامل محرکی در احیا و تداوم کلیسا و فرد مسیحی باشد، تاکید نمود.

وسیع‌ترین و عمیق‌ترین مصادیق باور به موعودگرایی مسیحی در نهضت‌های هزاره‌گرایی یا مسیحایی تجلی یافته است. نکته قابل توجه در همه این جریان‌ها، علی‌رغم تفاوت‌های اساسی که با هم دارند، انتقاد و نارضایتی از وضع موجود و امید به ایجاد اصلاحات و بهبود شرایط بوده است. عمده فعالیت و رونق هزاره‌گرایی یا همان اعتقاد به هزاره خوشبختی، مربوط به قرن نوزدهم میلادی است که علاوه بر تلاش‌های گسترده الهیاتی و نظری، رویکردهای متفاوتی از خود به یادگار گذاشته است؛ ادونیس‌ها،^۱ انجمن شاهدان یهوه،^۲ صهیونیسم مسیحی،^۳ دیسپنسانالیست‌ها،^۴ مورمون‌ها^۵ و پنجاهه‌گرایان^۶ نمونه‌های برجسته‌ای از این موارد است.

از میان موارد یاد شده شاید بتوان گسترده‌ترین و تأثیرگذارترین فرقه را از آن صهیونیسم مسیحی دانست؛ به نحوی که اکنون با فراتر رفتن از قالب یک جنبش مذهبی به یک حزب سیاسی غالب، به قدرتی کامل در برخی از کشورها چون ایالات متحده و اسرائیل^۷ تبدیل شده

۱. یک نهضت اصلاحی مکاشفه‌ای یک کشاورز انگلیسی به نام ویلیام میلر در قرن نوزدهم است که معتقد است عیسی مسیح به زودی، مثلاً در سال ۱۸۴۳ یا ۱۸۴۴، به زمین بازخواهد گشت (مولند، ۱۳۶۸: ۲۹۵).

۲. یک سازمان یهودی مسیحی است که بر پایه پیشگویی یک تاجر آمریکایی به نام چارلز راسل، مبنی بر ظهور عیسی مسیح در سال ۱۹۰۸ و سپس سال ۱۹۲۵ شکل گرفت (جوویور، ۱۳۸۱: ۲۷۵).

۳. یک جنبش سیاسی اجتماعی، و الهیاتی صهیونیسم مسیحی است که با سه عنصر یهودیت، مسیحیت و صهیونیسم گره خورده است. بر این اساس حضور یهودیان در فلسطین و دولت اسرائیل زمینه را برای آمدن دوباره مسیح فراهم خواهد ساخت (هلال، ۱۳۸۳: ۶۶).

۴. دیسپنسانالیست‌ها یا مقطع‌گرایان از هزاره‌گرایان موثر قرن بیستم هستند که معتقدند حضور و رفتار خداوند در تاریخ انسان در هر مقطع متفاوت با مقاطع دیگری است. بر این اساس اکنون مسیحیان در مقطع ششم قرار دارند که مقطع هفتم زمان آمدن ملکوت و ظهور عیسی مسیح است (جوویور، ۱۳۸۱: ۲۷۶).

۵. این گروه توسط جوزف اسمیت در سال ۱۸۳۰ در نیویورک تأسیس شد که در واقع خود را مصلحی از جنس مسیح می‌دانست.

۶. برخاسته از عید پنجاهه یهودیان است که ضمن باور به هزاره‌گرایی، معتقدند روح القدس مانند زبانه‌های آتش بر حواریین ظاهر شد و همه از روح القدس پر شدند (کتاب مقدس، اعمال رسولان، ۱: ۲).

۷. منظور همان فلسطین اشغالی است که از سال ۱۹۴۸ تا کنون زیر یوغ صهیونیسم قرار گرفته است.

است. اگرچه طرفداران این رویکرد به شدت به واقع شدن آخرالزمان باور دارند و همه تلاش خود را در وقوع حوادثی که قبل از ظهور دوباره عیسی لازم است، به کار گرفته‌اند، بیش از آن که در وجهه یک نوع از الهیات اجتماعی متصور باشند یک ایدئولوژی سیاسی اند.^۱

نگاهی بر برخی الگوهای الهیات اجتماعی معاصر

همان‌گونه که حیات اجتماعی زندگی بشری از وجوه و جنبه‌های متعدد و متنوعی برخوردار است، طبعاً الهیات اجتماعی نیز رویکردها و رهیافت‌های متکثری خواهد داشت. افکار و آراء اجتماعی الهیات مسیحی در طول تاریخ پرنشیب و فراز خود از چنان گستردگی برخوردار بوده است که هرگز نمی‌توان تنها به ارائه فهرستی از آن در این مجال پرداخت. فلذا اکنون خالی از لطف نخواهد بود که بر برخی از مهم‌ترین رویکردهای الهیات اجتماعی مسیحی نیم‌نگاهی بیان‌داریم.

الهیات عملی، اندیشیدن درباره عمل فردی و اجتماعی انسان به روش الهیاتی است. وظیفه هنجاری در الهیات عملی را می‌توان چنین مطرح ساخت: تفسیر الهیاتی از رخدادها، وضعیت و زمینه اجتماعی، تفسیر اخلاقی از عمل با استفاده از هنجارهای اخلاقی موجود در آن، و عمل خوب و مناسب (osmer، ۲۰۰۸).

در الهیات صلح‌گرا، اصولی چون عشق، رحمت، بخشش و حکومت هزاره مسیح همگی دال بر شواهدی مستحکم از صلح‌گرا بودن آیین مسیحیت است. اکثر مسیحیان بر این عقیده هستند که مسیح برای هزار سال حکومت خواهد کرد و این دوره مملو از صلح، رفاه و عدالت خواهد بود؛ جای بسی امیدواری است که امروزه بسیاری از مسیحیان به ویژه الهی دانان این آیین، با نگرش‌های جنگ‌طلبانه به مبارزه برخاسته و همه همت و تلاش خود را برگسترش و اشاعه الهیاتی مبتنی بر صلح و دوستی میان همه ملت‌ها و ادیان معطوف می‌دارند.

الهیات عمومی، عبارت است از مجموعه دغدغه و دل‌مشغولی‌هایی که ایمان مسیحی را با مسائل اجتماعی آن هم در سطح وسیع و گسترده مرتبط می‌سازد.

الهیات پسالیبرال، پسالیبرالیسم هم شالوده ستیز است یعنی مفهوم مبنایی کلی برای

۱. ایدئولوژی سیاسی نوعی تفکر سیاسی که بر مبنای برخی اصول اولیه از پیش پذیرفته شده شکل می‌گیرد، اصولی که از نوعی جزمیت و قطعیت برخوردار بوده و از هرگونه انتقادی مصون است. برخی از خصوصیات ایدئولوژی سیاسی عبارتند از: کار ویژه تبلیغاتی دارد، مشروعیت‌ساز است، ساده‌انگاری و انعطاف‌ناپذیر است.

شناخت را انکار می‌کند، و هم اجتماعی است یعنی به ارزش‌ها، تجربه‌ها و زبان جامعه توسل می‌جوید و اولویت را به افراد نمی‌دهد و در عین حال تاریخ باور نیز هست یعنی بر اهمیت سنت‌ها و جوامع تاریخی مرتبط با آنها در شکل دادن به تجربه و تفکر تأکید دارد.

الهیات حوزه اقیانوس آرام، این نوع الهیات، یک الهیات عصری و زمینه‌گراست که در دل آب و خاک حوزه اقیانوس آرام روئیده است و هدف آن مرتبط ساختن انجیل عیسی مسیح با حوادث و شرایط جامعه شناختی، سیاسی، زیست محیطی و دینی معاصر و نیز وضعیت آینده این دیار است.

الهیات مینجونگ، الهیات مینجونگ نوعی الهیات سیاست و فرهنگ است که در سال‌های اخیر در کره جنوبی پدید آمده است. این واژه به طور مشخص دلالت بر ستمدیدگان در برابر ستمگران و مردم مستمند در برابر ثروتمندان و قدرتمندان دارد.

الهیات آمریکای شمالی، گرچه اشکال مختلفی از این نوع الهیات وجود دارد، اما این نوع الهیات در واقع در باب جهان‌گشایی و استعمارگری است.

الهیات رهایی‌بخش، اصطلاح الهیات رهایی‌بخش به یک معنای عام به پاره‌ای جریان‌های معاصر الهیاتی اشاره دارد که در باب حضور قدرت خداوند در زندگی و مبارزات مردم ستم‌دیده، بر اساس آموزه‌های گرایانه خداوند که در عیسی مسیح تجلی یافته است، تأکید می‌ورزند. الهیات سیاهان، الهیات آفریقایی و الهیات آسیایی مواردی از این نوع است.

الهیات فمینیستی، یکی از زیرمجموعه‌های الهیات اجتماعی است که بر تبعیض‌های جنسیتی میان زنان و مردان بر اساس آموزه‌های الهیاتی تأکید دارد. الهیات فمینیست در ابتدا واکنشی در قبال برخورد تبعیض‌آمیز الهیات سنتی مسیحی نسبت به زنان و امور آنان بود، سپس علاوه بر عناصر انتقادی، عناصر ساختاری نیز بدان افزوده شد.

الهیات عصری، از منظر الهیات عصری، الهیات نمی‌تواند صرفاً از اعتقادات کلیسایی آغاز کند و نسبت به شرایط پیرامونی غافل مانده و از بافت و زمینه‌ای که درباره آن سخن می‌گوید گسسته شود. نقطه عزیمت الهیات باید روابط مشخص اجتماعی، امیدها و هراس‌های مردم یعنی مقتضیات و شرایط جامعه باشد؛ زیرا به همین دلیل است که تحلیل اجتماعی جنبه حیاتی الهیات عصری به شمار می‌رود.

الهیات آسیایی، این رویکرد الهیاتی به موازات رویارویی کلیسا با مصالح و چالش‌های جدید تبلور یافته است. رابطه بین ایمان مسیحی و ادیان عمده آسیایی هم‌چنان یکی از موضوعات

مهم مطرح در الهیات آسیایی است.

الهیات سیاسی، به دنبال توضیح ماهیت عمومی پیام فرجام شناختی مسیحیت است. آن چه که مسیحیت بدان وعده داده است تنها دستیابی به معرفت نفس جدیدی برای فرد نیست بلکه تحقق یک جامعه جدید نیز هست. حتی آنگاه که فرد مخاطب قرار می‌گیرد واقعیت آن است که فرد در یک محیط اجتماعی زندگی می‌کند و از طریق او این جامعه است که مخاطب واقع می‌شود. به علاوه خدای انجیل خدایی غیر سیاسی و ناظری بی تفاوت در برابر وضعیت بشری نیست بلکه خدایی مبارز است که بر علیه قدرت‌های ستمگر مبارزه می‌کند. الهیات امید، در الهیات امید، ایمان مسیحی به عنوان موضوعی زنده و تحت نظارت مستمر خداوند معرفی می‌شود. نظارت و داوری خداوند در تاریخ ما انسان‌ها با برخاستن عیسی مصلوب از میان مردگان به واقعیت پیوست؛ و این نشانه وعده الهی است که خداوند نخواهد گذاشت تا حقوق ستمدیدگان و کشته شدگان از بین برود و آنان احساس نومیدی و بی‌خدایی کنند.^۱

الهیات لیبرال، الهی دانان لیبرال از یک سو خواهان آزادی در مورد میراث اعتقادات مسیحیت و از سوی دیگر آزادی در مورد شیوه‌های سنتی تفسیر کتاب مقدس بوده و هستند. از این منظر الهیات باید به طور گسترده، تجربی و عقلانی شود و عقاید دینی با توجه به پیامدهای آن در زندگی انسان و قدرتی که در برآوردن عمیق‌ترین نیازهای بشری دارند، بر حق هستند.

الهیات سوسیالیسم، الهیات سوسیالیستی همان دفاع الهیاتی از سوسیالیسم (جامعه‌گرایی) است. این دانش گرچه می‌تواند نوع خاصی از الهیات اجتماعی باشد اما برخلاف الهیات اجتماعی، تنها دفاع الهیاتی از سوسیالیسم و فاقد دیدگاه‌ها و مواضع گوناگون اجتماعی است.^۲

۱. الهیات امید حاصل تلاش یورگن مولتمان است؛ بر این اساس رهیافت کلی او در الهیات که ناظر به مفاهیمی همچون امید و انتظار و رستاخیز و آغازهای نواست و تجربه و سلوک فکری و دیالوگ و همپرسی را محور روش خود قرار می‌دهد می‌تواند برای الهیات دانان و اندیشمندان سایر ادیان نیز الهام بخش باشد. این نکته که او الهیات را نگرشی بسته و تفسیرکننده صرفاً امور واقع در گذشته و حال نمی‌داند و بر برخی از مقولات دین از جمله معاد و رستاخیزشناسی و حاکمیت الهی در زمین تأکید و توجه ویژه دارد برای علاقه‌مندان به بسط و گسترش نظام یا نگرش الهیاتی‌ای ناظر به «آینده»، تأمل برانگیز است (سایت باشگاه اندیشه).

۲. برگرفته از رساله دکتری تحت عنوان الگوی الهیات اجتماعی اسلامی در آثار و آراء امام موسی صدر و شهید بهشتی.

موعودگرایی و الهیات اجتماعی مسیحی

با توجه به گستردگی و پدیده بودن الهیات اجتماعی در مسیحیت معاصر، به نحوی که اکنون عدالت و صلح از رویکردهای بسیار قابل توجه در این حوزه است، اما آموزه موعودباوری به آموزه‌ای پررونق در الهیات اجتماعی مبدل نگشته است.

جالب توجه است که قرن بیستم، خصوصاً نیمه دوم آن، شاهد رویکردهایی در جهان مسیحیت بوده است که با انواع قبل از آن بسیار متفاوت است. این موارد، که عمدتاً در مورد زندگی و اصلاحات اجتماعی است، تا آموزه‌های خاص الهیاتی، مورد توجه و اهمیت خاصی قرار دارند. هاروی کاکس، از متکلمان مسیحی، معتقد است در حالی که جهان به سرعت به سوی دو هزارمین سالگرد تولد مسیح پیش می‌رود، چهارگرایش عمده وجود دارد که می‌تواند مسیحیت هزاره آینده را شکل دهد (کاکس، ۱۳۷۸: ۱۲۱). کاکس این چهار رویکرد را تحت عناوین زیر جمع‌بندی می‌کند:

شکل زندگی مسیحی مبتنی بر تجربه مستقیم روح القدس، آیین‌های پنجاه‌گرایی، نظام‌های الهیاتی آزادی بخش و حضور زنان در نقش‌هایی بی سابقه در رهبری کلیسا (سلیمانی اردستانی، ۲۶۵). گرچه چهار رویکرد مذکور در شکل ظاهری خود و برخی آموزه‌ها تفاوت‌هایی دارند^۱، اما همگی در یک کلام بر اصلاح امور نابسامان جامعه و رفع تبعیض و محرومیت‌های اجتماعی اقتصادی انگشت تأکید می‌فشارند. از این رو در اغلب و اکثر موارد در میان قشرهای پایین و مستضعف جامعه، از جمله سیاه‌پوستان و فقرا، شکل گرفته و به نحوی بسیار فزاینده رو به رشد و افزایش اند. این رشد و فزاینده‌گی تا حدی است که بسیاری از صاحب‌نظران هزاره سوم مسیحیت را هزاره پنجاه‌گرایی پیش‌بینی می‌کنند. آموزه موعودگرایی (هزاره‌گرایی) در این رویکردها آن‌چنان قدرت دارد که در برخی از آنها این اعتقاد وجود دارد که تجربه آنان شروعی برای دوران آخرالزمان است، آخرالزمانی که در کتاب مقدس بدان اشاره شده است؛ روزگاری که در آن خدا بار دیگر نعمات خود را ارزانی می‌دارد و مسیحیان

۱. به طور نمونه نظام‌های الهیاتی آزادی بخش، بر خلاف زندگی مبتنی بر تجربه روح القدس و پنجاه‌گرایی، بر حضور زنده و پویای مسیح در میان مستضعفان تأکید دارد. و بر این نکته اصرار دارد که خداوند شاهد و ناظر ظلم‌ها و ستم‌هایی است که بر آنان روا داشته و می‌شود. در ضمن او خدایی بی طرف و بی تفاوت نیست، بلکه دست کسانی که در راه تحقق عدالت تلاش می‌کنند را خواهد گرفت. در حالی که در تجربه مستقیم روح القدس یا پنجاه‌گرایی بیشتر بر شفا دادن، دعا کردن و سخن گفتن به طرق مختلف، پرداخته می‌شود.

را قادر می‌سازد تا شفا دهند و به زبان‌های ناشناخته دعا بخوانند:

که خدا می‌گوید در ایام آخرچنین خواهد بود که از روح خود بر تمام بشر خواهم ریخت و پسران و دختران شما نبوت کنند و جوانان شما رؤیایها و پیران شما خواب‌ها خواهند دید (کتاب مقدس، اعمال رسولان، ۲: ۱۷).

شاید بتوان الهیات آزادی بخش و الهیات فمینیستی را در ذیل هم قرار داد؛ زیرا در هر دو رویکرد بر استقرار مساوات و عدالت میان همه اقشار جامعه تأکید می‌شود. اما واقعیت آن است که فعالیت الهیاتی زنان، و نیز مردان مدافع حقوق زنان، به سال‌هایی بسیار پیشتر برمی‌گردد. زنان که همواره در طول تاریخ سلطه مسیحیت از تبعیض و تفاوت‌های ظاهری و باطنی میان مردان و زنان در کلیسا رنج می‌بردند، با آغاز فعالیت رسمی فمینیسم، به عنوان پیش قراول حمایت از حقوق زنان، کم‌کم پا به عرصه نقد محافل مذهبی گذاشتند. این تبعیض‌ها که به صراحت ریشه در کتاب مقدس، آباء کلیسا و نیز جامعه مسیحی داشت، باعث شد تا نوک پیکان حملات فمینیستی آیین مسیحیت را نشانه رود و بهترین راهکار را در بازتفسیری اصلاحی و ساختاری، و البته زنانه، از آیین مسیحیت بدانند. از این منظر نمی‌توان فراموش کرد که زنان همواره نقش برجسته‌ای در تاریخ مسیحیت ایفا کرده‌اند؛ زنان بودند که قبر خالی مسیح را یافتند و نیز نخستین کسانی بودند که خبر رستاخیز مسیح را اعلام کردند. حاصل تلاش‌های گسترده و دامنه‌دار الهی دانان فمینیست ره‌آوردهای بدیعی را برای زنان مغرب زمین در بر داشته است که ظهور زنان در نقش‌هایی بی‌سابقه در رهبری کلیسا، الهیات و به طور کلی در زندگی مسیحی، یکی از این موارد است. امروزه رویکرد فمینیستی در الهیات اجتماعی مسیحی به یکی از پرنفوذترین رویکردها مبدل شده است و چنان قدرتمندانه به پیش می‌رود که توانسته است آراء خود را در بسیاری از کلیساها و محافل مذهبی عملی سازد.

اگر بخواهیم موعودگرایی را در قالب هزاره‌گرایی مسیحی، و آن هم در فضای الهیات اجتماعی مورد بازخوانی تاریخی قرار دهیم، می‌بایست از ابتدای کار نهضت پروتستانتیسم و عقاید مارتین لوتر آغاز کنیم. در پروتستانتیسم، بر خلاف تصور ماقبل آن، هزاره‌گرایی از صورت صرفاً اعتقادی به صورت سیاسی و تشکیل نهضت‌های عمل‌گرا تغییر شکل داده است. پیش از شکل‌گیری پروتستانتیسم می‌توان میان دو نوع هزاره‌گرایی تمایز قائل شد؛ هزاره‌گرایی خواص حاصل آراء یوآخیم اهل فیوره،^۱ که عمدتاً قالبی الهیاتی داشت. و هزاره‌گرایی عوام، جدای از

1. Joachim from Fiore.

متون کلاسیک دینی، که حاصل ادبیات شفاهی کلیسا بود و طرفداران بیشتری نیز داشت (Rowe: 341). ترجمه متون مقدس به زبان‌های محلی توسط پروتستان‌ها به همراه پیشگویی‌های عامیانه نیروی جدیدی در فضای جامعه ایجاد می‌کردند؛ این نیروی جدید، به عنوان ابزاری در اختیار نهضت‌های سیاسی و اجتماعی قرار گرفت. نهضت‌های ملی در امریکا، انقلاب فرانسه و سوسیالیسم ملی در آلمان مواردی از این نوع است. آرمان‌گرایی‌های برخاسته از این فضا نهضت‌های جدید اجتماعی در سراسر اروپا، از جمله مارکسیسم و کمونیسم الحادی، را موجب شدند. حتی نهضت‌های ضد امپریالیستی در کشورهای غیر غربی چون چین نیز در همین راستا ارزیابی می‌شوند (قاسمی قمی، ۱۳۹۰: ۱۷۹).

صهیونیسم مسیحی، که در صفحات قبل نامی از آن گذشت، در این راستا با برنامه کاملاً از پیش تعیین شده، موعودگرایی دینی قومی یهودیان را به اصلی قومی سیاسی تقلیل داد؛ به نحوی که در گذار از نشیب و فرازهای تاریخی اجتماعی، این نجات‌گرایی دارای گرایش‌های مسیحاگرا، آمال‌اندیش و در عین حال تبعیض‌آمیز شد.^۱ رویکردی چنان نژادگرایانه و تبعیض‌آمیز، که در طی پنجاه سال اخیر سخیف‌ترین و شنیع‌ترین فجایع انسانی را به بار آورده است.

الهیات امید یکی دیگر از رویکردهای الهیات اجتماعی در ارتباط با موعودگرایی، وقایع آخرالزمان و بازگشت مسیح است؛ بر این اساس در آخرالزمان حکومت عدالت بر زمین حاکم گشته، مسیح به زمین باز خواهد گشت. مردگان زنده گردیده و همه چیز در پرتو حکومتی عادلانه خلقتی از نو می‌یابند؛ چراکه خداوند، خداوند امید بوده و حکومت صالحان را به انسان‌ها وعده داده است. با این حال آخرت، آخر امور نبوده، بلکه آغازی برای همه چیز است. طبق عقیده یورگن مولتمان، این نحو نگرش مسیحایی سبب می‌گردد که انقلابی درونی و پیش‌برنده در پیروان مسیح صورت پذیرد. در تعارض میان جهان حقیقی، که سرشار از رنج و درد و ناملایمات است، وعده بشارت الهی و امید به جهانی بهتر، سبب تقویت ایمان مؤمنان می‌گردد. این وعده، شور و انگیزه برای حرکت به سوی امور ممکن و تحمل و صبر در برابر ناملایمات را ایجاد می‌کند. از منظر وی، امید از ایمان جدایی ناپذیر است؛ چراکه بر اساس ایمان، ما معتقدیم که خداوند وجود دارد انتظار داریم که وعده‌های او محقق گردد. بر مبنای

۱. برای مطالعه بیشتر به آثاری چون مسیحیت صهیونیستی و بنیادگرایی امریکا، ص ۶۲ و ۶۳ نوشته رضا هلال و نیز بنیادهای سیاسی جنبش صهیونیسم مسیحی و انگاره موعودگرایی نوشته محسن قنبری آلانق مراجعه کنید.

ایمان، می‌توان به زندگی جاودانه دست یافت. ایمان اساس آن چیزی است که امید در آن سکنی می‌گزیند؛ امید ایمان را تقویت می‌کند. بر اساس الهیات امید نکته جالب آن است که امید باید در جان و عمل مؤمنان نفوذ کند؛ چراکه اگر این امید، تنها به طرز تفکر بسنده کند و در زندگی عملی انسان‌ها جاری و ساری نگردد، تغییر اساسی در زندگی انسان رخ نخواهد داد. در این نگرش مفاهیم الهیاتی، حقیقت ثابتی را تداعی نخواهند کرد، بلکه تنها از طریق امید به مشارکت مؤمنان در آینده‌ای بهتر بسط خواهند یافت (Moltman, 1993: 15-20).^۱

مارکسیسم، کمونیسم و حتی سوسیالیسم، تحت عنوان بارزترین رویکردهای الهیات سکولار برخاسته از آموزه موعودگرایی و نجات‌بخشی، آخرین نقطه مسیح‌باوری سکولار نبوده است. اکنون همچنان می‌توان شاهد اندیشه‌های ناظر به آخرالزمان و پایان تاریخ در مغرب زمین بود. نظریه پایان تاریخ و جنگ تمدن‌ها، حاصل آراء ساموئل هانتینگتون است که لیبرالیسم را شکل آرمانی و نهایی جامعه بشری می‌داند. ایده‌ای که با اصل معروف جهانی شدن^۲ پیوندی عمیق دارد. این اندیشه به یک دست‌کاری فرهنگی سیاسی همه جوامع بشری گرایش دارد تا بتواند جهان را از بحران قریب‌الوقوع و اجتناب‌ناپذیر جنگ تمدن‌ها رهاند.

در نهایت با همه این توضیحات چنین می‌توان اظهار داشت که علی‌رغم تصور موجود و آن‌چه از الهیات اجتماعی انتظار می‌رود، موعودگرایی جایگاه واقعی خود را در الهیات اجتماعی مسیحی نیافته است. گرچه در رویکردهایی چند از الهیات اجتماعی مسیحی ردپایی از موعودگرایی وجود داشته و بر آموزه بازگشت مسیح تأکید شده است، اما این نکته بیشتر آموزه‌ای اعتقادی است که کمتر در مسیر مستقیم خود، راه عمل را هموار نموده باشد. شاید به جرأت بتوان گفت آن‌چه از ردپای موعودگرایی در الهیات اجتماعی مسیحی قابل مشاهده است، در اغلب موارد، از رویکردهای الهیاتی و مباحث کلامی خارج شده و یا دستمایه ایدئولوژی‌های سیاسی قرار گرفته و یا هم در پایین‌ترین سطح اجتماع و به دست عوام مردم به انحراف کشیده شده است.

نتیجه‌گیری

از آن‌چه در این نوشتار ذکر شد نتایج چندی قابل برداشت است، که عبارتند از:

۱. برگرفته از سایت <http://marefateadyan.nashriyat.ir/node/>
۲. از منظر برخی اندیشمندان به کار بردن واژه جهانی سازی نسبت به جهانی شدن، به واقعیت نزدیک تراست.

۱. اصل ظهور منجی در آخرالزمان از اصول مسلم مسیحیان است. طبق کتاب مقدس تصریح شده است که منجی عالم در آخرالزمان ظهور خواهد کرد و او شخص عیسی مسیح است.
۲. الهیات اجتماعی شاخه‌ای از الهیات است که، ضمن دارا بودن خاستگاه غربی مسیحی، تمام هم و غم خود را بر مسایل و موضوعات اجتماعی بشر با رویکردی الهیاتی، متمرکز کرده است.
۳. عناوین و موضوعات موجود در الهیات اجتماعی چنان گسترده و متنوع است، که صلح و عدالت خود به تنهایی یکی از رویکردهای عمده آن را تشکیل می‌دهد. صلح و عدالتی که از بنیان‌های باور به موعودگرایی در ادیان، به ویژه مسیحیت، است.
۴. با این حال ظهور و بروز معنویت‌های نوظهور، که در نیمه دوم قرن بیستم، به اوج خود رسیده است از بارزترین و آشکارترین تأثیرات آموزه موعودگرایی مسیحی است. این ویژگی که تنها اختصاص به مسیحیت ندارد، در دنیای اسلام نیز قابل رویت است.
۵. اگرچه موعودگرایی کم و بیش در ادبیات انبوه الهیات اجتماعی مسیحی وجود دارد، اما این کاملاً خلاف انتظار است که تا کنون حول موضوع موعودگرایی در الهیات اجتماعی آثار درخوری شکل نگرفته است. و آن‌چه از موعودگرایی در عالم خارج قابل مشاهده است تحت تأثیر امواج گوناگون به بیراهه رفته است.

منابع

- کتاب مقدس، انتشارات ایلام، بی تا.
- توفیقی، حسین، «هزاره گرایی در فلسفه تاریخ مسیحیت»، مجله موعود، شماره ۱۸، ۱۳۷۸.
- تیلیخ، پل، *الهیات سیستماتیک*، ترجمه حسین نوروزی، تهران: حکمت، ۱۳۸۱.
- جو ویور، مری، *درآمدی به مسیحیت*، ترجمه حسن قنبری، قم: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، اول، ۱۳۸۱.
- رابرتسون، آرچیبالد، *عیسی اسطوره یا تاریخ*، ترجمه حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان، ۱۳۷۸.
- رسول زاده، عباس و جواد باغبانی، *شناخت مسیحیت*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، اول، ۱۳۸۹.
- سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، *مسیحیت*، انتشارات آیت عشق، ۱۳۸۴.
- صادق نیا، مهراب، *گونه شناسی اندیشه منجی موعود در مسیحیت*، گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۸.
- قاسمی قمی، جواد، مبانی هزاره گرایی در مسیحیت، مجله پژوهش‌های مهدوی، ش ۱، ۱۳۹۰.
- کاکس، هاروی، *مسیحیت (ادیان ما)*، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۸.
- لگن هوسن، محمد، *درآمدی بر الهیات پروتستان*، ترجمه محمد نصیری، دوفصل نامه *الهیات اجتماعی*، قم: موسسه شیعه پژوهی، ش ۲ و ۳، ۱۳۸۹.
- لین، تونی، *تاریخ تفکر مسیحی*، ترجمه روبرت آسریان، تهران: فرزانه، ۱۳۸۰.
- مریدی، فاطمه، *الگوی الهیات اجتماعی اسلامی در آراء و آثار امام موسی صدر و شهید دکتر بهشتی*، رساله دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۴.
- موحدیان عطار، علی و جمعی از نویسندگان، *گونه شناسی اندیشه منجی موعود*، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، اول، ۱۳۸۸.
- مولند، اینار، *جهان مسیحیت*، ترجمه مسیح مهاجری و محمدباقر انصاری، تهران: امیرکبیر، اول، ۱۳۶۸.
- هلال، رضا، *مسیحیت صهیونیست و بنیادگرایی آمریکا*، ترجمه علی جنتی، قم: مرکز مطالعات و

تحقیقات ادیان، ۱۳۸۳.

- سایت باشگاه اندیشه، یورگن مولتمان.

- سایت معرفت ادیان.

- _ David L.Rowe,"Protestanism,in Encyclopedia of Millennialism.
- _ Hunt Stephan(ed),Christian Millenarianism,Indiana University Press
- _ Moltman, Jorgen, Theology of Hope: On the Ground and the Implications of a Christian Eschatology, SCM Press, London, 1993.
- _ Osmer, R. Richard, Practical Theology An Introduction Michigan /Cambridge, 2008.

